

## ایشغوزها، ایسکیت ها

یکی از اقوام باستانی ترک که در سده های ۸۷ قبل از میلاد بتدریج به آذربایجان کوچ کرده و در بین خلقهای **قوتتی، ساییر، توروک، آذ** و ... در ماننا و ماد مرکزی سکونت گزیدند، **ایشغوز ها** میباشند.

طبق منابع چینی ، ایشغوز ها در حوالی ۱۰-۱۳ ق.م. در کنار سرحدات چین در داخل اتحادیه قبیله ای "**سیونو**" "Siynnu" زندگی میکردند و در ۹۰۰ ق.م. در تصرف پایتخت "**چین چزوو**" "Cin cejo" **ترکهای هون** را یاری کردند. آنها بعدها به قزاقستان امروزی کوچ کردند و در اوایل ۷۰۰ ق.م. از آنجا بدلیل فشار "**ایسه دونلار**" به سمت غرب کوچ کردند. به نوشته **هرودت**، آنها از رودخانه "ایدیل"، ولگا ، گذشته و سرزمین **کیمتر ها** را تصرف کردند. کیمتر ها مجبور شدند که از طریق شمال دریای سیاه و بعد اورارتو به آنادولو رفته و در آنجا ساکن شوند.

تقریباً ۳۰-۴۰ سال بعد یعنی اواخر ۷۰۰ ق.م.، عده ای کثیری از ایشغوزها به رهبری "**ایش پاکا**" با هدفی مشخص آنجا را ترک کرده و از طریق دربند وارد آذربایجان شدند. هدف آنها تشکیل دولت در آنجا بود. لذا با دولت **اورارتو** که قسمت اعظمی از سرزمینهای شمال ارس را در اختیار داشت، وارد جنگ شده و در نزدیکی گنجه "**روسای دوم**" شاه اورارتو را شکست دادند. بعد از ایجاد دولت ایشغوز در شمال آذربایجان ، متوجه جنوب ارس شدند. البته قبرهای ایشغوزی پیدا شده در "**تپه حسنلی**" نشانگر آن است که شاخه هایی از ایشغوز ها از ۱۰۰۰ ق.م. در ماننا زندگی میکردند. اراضی شمال و غربی دریاچه اورمیه که قبلاً تحت حاکمیت ارارتو بود، بدلیل شکست اوراتوها از سارگون دوم در ۷۱۴ ق.م. از دست آنها خارج شده بود، لذا ایشغوز با در اختیار گرفتن این

اراضی ، مرزهای دولت خود را از کوههای قفقاز تا جنوب دریاچه اورمیه بسط دادند و پایتخت خود را به نام "**ساققیز**، سقز" در جنوب دریاچه اورمیه بنا کردند.. به دلیل قرابت نژادی وزبانی بین ایشغوزها و اهالی ماننا، و همچنین بدلیل اینکه از صدها سال پیش گروههایی از ایشغوز ها در ماننا - ماد در بین دیگر خلقها زندگی میکردند، هیچ درگیری بین ایشغوز های تازه وارد و ماننایی ها رخ نداد و آمدن ایشغوز ها همچون تزریق خون تازه ای در رگهای مردم ماننا - ماد بود ، چون باعث تقویت آنها در مقابل آشوریان شدند.۱«ص ۵۶۷

در این زمان **ماد مرکزی** زیر سلطه آشور بود.

بعد از این تاریخ، ایشغوزها متحداً با خلق ماننا - ماد ها بر علیه آشوری ها عمل میکردند. عده ای از ایشغوزها بعداً به ماد مرکزی رفته و در حوالی **اسدآباد و همدان** ساکن شدند و در مخالفت های شاهان محلی ماد مرکزی با آشوری ها آنان را یاری میکردند. در قیامهای مردم ماد - ماننا بر علیه اشغالگران آشوری در سالهای ۶۷۵ - ۶۷۸ ق.م ایشغوز ها نیز فعالانه اشتراک داشتند. "**اسرحدون**" برای سرکوبی قیام سراسری در ماد مرکزی ، بدانجا نیرو فرستاد ، ولی موفقیت زیادی کسب نکرد، در این جنگها ، ایش پاکا" اولین شاه ایشغوز ها در سال ۶۷۳ ق.م .کشته شد. بعداً "**پارتاتوا**" پسر "ایش پاکا" رهبری ایشغوزها را به عهده گرفت . آشوریان برای تضعیف دشمن ، سعی در تفرقه اندازی در بین آنها میکند و برای رهبران سه ایالت ماد مرکزی و ایشغوز ها پیشنهاد صلح میدهد. مادها به رهبری "**خیشتریت**" پیشنهاد آشوریان را رد میکنند ولی شاه جوان و بی تجربه ایشغوزها گول آشوریان را خورده وبا آنها صلح کرده و با آشوریان متحد میشود. " اسرحدون" شاه آشور برای تحکیم این اتحاد دختر خود را به عقد "پارتاتوا" در می آورد. پارتاتوا علایق خود را با مادها که برای آزادی ماد تلاش میکردند قطع و با پدرزنش بر علیه آنان متفق شد . " پارتاتوا" با تشویق

پدرزنش، "اسرحدون" شاه آشور همچنین به آنادولی حمله و تا فلسطین را فتح کرده و تمام قیامهایی را که در آنجاها بر علیه آشور شکل گرفته بود سرکوب کرد و با این کارش دولت آشور را از گرفتاریهای سختی که دچار آن شده بود نجات داد. "توقدامیس، توختامیش" شاه ترکان کئمر نیز در این جنگها بدست مادییا کشته شد.

"پارتاتوا" بعدا به آذربایجان برگشته ودر پایتخت ایشغوزها در "سقز، ساققیز" ساکن شد. بعد از مرگ او، پسرش "مادئی" (مادی - مادییا) شاه ایشغوزها شد، او نیز به اتحاد با آشوریهها ادامه داد. «۱ ص ۵۶۸

### هویت قومی - نژادی ایشغوزها

"ساکاها"، "ایشغوزها، ایش اغوزها"، "ایسکیت ها" یکی از بزرگترین و قدرتمندترین اقوام ترکهای باستانی بودند، که در سرزمین وسیعی، از کناره های دریاچه بایکال تا شمال دریای سیاه زندگی میکردند. **محقق شهیر ترک، محمود کاشغری** در ۱۰۰۰ سال پیش از آنها یاد کرده و آنها را یکی از قبایل ۲۴گانه **ترکان اوغوز** معرفی کرده است. «۸

ایشغوزها برای اولین بار در اوایل قرن ۷ ق.م. به طور جدی، وارد صحنه سیاسی شرق میانه شدند. ایشغوزها، بعد از مهاجرت قبایل ترک "هیت" که در حوالی هزاره دوم ق.م. انجام گرفت، دومین گروه تأثیرگذار در روندهای اجتماعی - سیاسی خاور نزدیک بودند.

به قول **هرودت**، مهاجرت آنها به ماد مرکزی و ماننا، به صورت مدنی و با آرامش انجام گرفته، و در آنجا مورد استقبال سران ماد - ماننا قرار گرفتند، بطوری که آنها فرزندان خود را، برای تربیت، پیش آنها گذاشتند تا زبان خالص (ترکی، تاکید از من) و تیراندازی را خوب یاد بگیرند. (وکیلی، جلد ۱، ص ۶۶) لازم به ذکر است که، اعیان و اشراف اعراب نیز در زمان امویان و عباسیان، فرزندان خود را،

بخاطر یادگیری عربی خالص و رسم و سوم اصیل عربی، به دست قبایل بادیه نشین عربی می سپردند.

تا اوایل قرن بیستم ، بدون استثناء در تمام متون تاریخی ، از آنها به عنوان ترک یاد شده است و همه بر ترک بودن آنها عقیده داشتند. اما از اوایل قرن بیستم ، **برای اولین بار**، عده ای به دلایل سیاسی ، در اروپا و روسیه، ادعای هندواروپایی بودن آنها را مطرح کردند.

لذا امروزه در باره نژاد و ر زبان ایشغوز ها ، دو نظریه وجود دارد:

۱- عده ای قلیل، بدون ارایه مدرک موثق تاریخی و فقط بخاطر منافع سیاسی خود، آنها را هندو اروپایی وزبانشان راهندو ایرانی می پندارند.

۲- عده ای کثیر با استناد به آثار و مدارک محکم تاریخی، آنها را از اقوام آلتائیک و زبانشان را ترکی باستان می دانند.

نظریه اول: این نظریه برای اولین بار در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ ، یعنی درست زمانی که اروپائیان در **تب آریاگری** می سوختند و شدیداً تلاش میکردند که یک هویت قدیمی برای خود دست و پا کنند ، تا پیشرفت های علمی - نظامی شان را با برتری نژادی خود توجیه کنند، مطرح شد. ولی آنها بزودی پی به اشتباهات مغرضانه خود بردند و دست از آن نظریه های دروغین برداشتند. ولی بعد ها **پان فارسها** در ایران و **استالین** در شوروی بدلائل سیاسی ، این دغل بازی ها را دوباره شروع کردند. استالین به دلیل سیاست های ضد ترکی روسها ، که تلاش میکردند تا هویت تاریخی خلقهای ترک زبان شوروی سابق را از بین برده و در عوض "انسان سوسیالیست شوروی " را با هویت کاذب روسی بسازند، دوباره روی این نظریه پوچ سرمایه گذاری کرد. البته این ، شوینیسیم سلطه گر روس بود که در پشت پرده کومونیسیم ، با تحریف تاریخ میخواست هویت و زبان روسی را بر ترکهای شوروی تحمیل کند. و همچنین روسها را که

سرزمین های وسیعی را ، از قفقاز ، ولگا و شمال خزر در غرب گرفته تا سبیری و منچوری در شرق ( یعنی سرزمین های تاریخی ترکها) که روسها از قرن ۱۶ به اینور اشغال کرده بودند ، را بومی و بازماندگان ایشغوزها معرفی کنند. یکی از طرفداران دیگر ، نظریه پوچ هندواروپایی بودن ایشغوزها، **گیریشمن** (کسی که یکی از مهره های اصلی سازندگان تاریخ کلا جعلی فارس ها میباشد) که در کتاب "تاریخ ایران از آغاز تا اسلام" در ص ۹۷، بدون ارائه هیچ مدرکی، ایشغوزها را آریائی می نامد. البته ؟پیریشمن ؟ر مقدمه اصل کتاب، که به زبان انگلیسی میباشد، اعتراف کرده است که کتاب را **به سفارش** مرکز ایرانشناسی وزارت خارجه انگلیس نوشته است و بدینصورت از خود سلب مسئولیت کرده است.

مهمترین دلیل کسانی که سعی در هندواروپایی قلمداد کردن ایشغوز دارند، این است که کلمه "**ایش پاکا، ایس پاکا**" کلمه ای هندواروپایی و متداول در زبان روسی است، ولی دیاکونوف در ص ۵۳۲، تاریخ ماد ، مینویسد "کلمه روسی "**ساباکا**" به معنی "سگ" یک کلمه اسلاوی نیست و از زبان ترکی به داخل زبان روسی راه یافته است، در زبانهای اسلاوی به سگ "**kuti**" گفته میشود.»<sup>۳</sup>

طرفداران نظریه اول همچنین، بدون ارائه هیچ مدرکی، آسیای مرکزی را در حوالی هزاره اول ق.م. مسکن هندواروپایی ها معرفی میکنند ( البته لازم به ذکر است که، تا به امروز جاهای مختلفی از طرف غربیان وطن احتمالی اصیل هندواروپایی ها معرفی شده، اسکاندیناوی، آسیای میانه، شمال آفریقا، سبیری و ... و هیچ مدرک تاریخی بر هیچکام را ندارند) و ادعا میکنند که ایشغوزها شاخه ای از آنها بودند که بعداً به سوی آذربایجان کوچ کردند.. ولی اینها از جواب دادن به این سوال ساده که: آسیای مرکزی که به گواه هزاران

سند تاریخی، به عنوان **زادگاه اصیل خلقهای آلتائی** مورد تأیید میباشد و در طول تاریخ اقوام آلتایی سومری، ایلامی، قوتتی اوغوز و... روانه سرزمین های دیگر کرده، چطور یکدفعه خالی از آنها شده؟ مگر امکان دارد که اقوام ترک - آلتائی ساکن آنجا بدون جنگی، براحتی وطن اصیل خود را، که هزاران سال حفظ کرده بودند، تحویل اقوام تازه وارد بدوی بدهند و خود به شرق فرار کنند؟ چون در تاریخ نیزهیچ نشانه ای از ورود اقوام جدید به آسیای مرکزی و یا وقوع جنگی در آنجا در حوالی قرن دهم ق.م. وجود ندارد.

علت لجبازی و امتناع آن عده از تاریخدانان روسی وابسته به دولت روسیه، همچون **اورانسکی**؟ از قبول حقایق و اسناد کاملا واضح و اثبات شده در باره ایشغوزها، فقط بخاطر حفظ منافع سیاسی روسها در قسمتهای آسیایی روسیه میباشد.

لازم به ذکر است که پان فارسها هم که سعی میکنند، ایشغوزها را آریایی نشان بدهند، در نوشته های پوچشان به نوشتجات **اورانسکی روس و گیریشمن** استناد میکنند، و این در حالی است که خود اورانسکی و گیریشمن نتوانسته اند حتی یک دلیل قابل قبول مبنی بر هندو اروپایی بودن ایشغوزها، ارایه بدهند.

نوشته های "اورانسکی" ضدونقیض و فاقد مدرک تاریخی و علمی میباشد، و نوشته های گیریشمن بیشتر به یک افسانه شبیه است تا تاریخنویسی.

برای روشن شدن بعد سیاسی این مسئله، به یک مورد اشاره میکنم. دولت روسیه در ۱۰۰ سال اخیر با سازماندهی حساب شده ای میلیونها روس را در سرزمین های تاریخی ترکها، از **قازان** و جلگه های اطراف ولگا گرفته تا دورترین نقاط شرقی سیبری، مسکون کرده است، و برای زدودن ماهیت اشغالگرانه و

بیگانه بودن روسها در این سرزمین ها، احتیاج به فراهم کردن مشروعیت تاریخی داشت. لذا با اجیر کردن تعدادی تاریخنویس روسی ، سعی در هندواروپایی نشان دادن ایشغوزها ( که از دریاچه بایکال تا شمال دریای سیاه مسکون بودند) کردند، تا بدینوسیله روسها را وارثین ایشغوزها و مالکین این سرزمین ها معرفی کنند. روسها سالهای درازی از تحقیق بیطرفانه بر روی اجساد پیدا شده ایشغوزها از کوههای آلتای، جلوگیری میکردند ولی با از بین رفتن شوروی و استقلال کشورهای ترک آسیای میانه، اختلافات روسها با ترکهای قازاق، که وارثین حقیقی ایشغوزها میباشند، شدت گرفت و قازاق ها خواستار برگرداندن اجساد مومیایی شده اجدادشان به مکانهای سابق آنها در کوههای آلتای شدند. در نهایت روسها مجبور شدند که یکی از اسکلت ها را برای تعیین هویت نژادی به آزمایشگاهی در سوئیس بفرستند، بعد از ماهها تحقیق بر روی آن اثبات شد که اجساد پیدا شده در قبرهای تاریخی ایشغوزها از نژاد ترک - آلتایی میباشند. **بی.بی.سی.** در فیلمی یک ساعته که در سال ۲۰۰۳ در تلویزیون سوئد نیز پخش شد، تمام پروسه این تحقیقات را نشان داد و به پوچ بودن عقیده هندو اروپایی بودن ایشغوزها اشاره کرد. بعدها روسها مجبور شدند که اجساد را به قازاقستان بفرستند و در آنجا با احترام توسط فرزندانشان، ترکهای قازاق، دفن شدند.

در شوروی ، بعد از نشر کتاب "**مسایل زبان ها**" ی استالین و فشار دولت ، چرخش ۱۸۰ درجه ای در تاریخنویسی بوجود آمد و خیلی از تاریخنویسان و محققین بزرگی، همچون آکادمک "**مار**" بدلیل حقیقت نویسی دچار خشم و مجازات استالین شدند. و فقط به تاریخنویسان اجیر شده دولتی امکان فعالیت دادند، و از آن زمان به بعد مادها و ایشغوزها را آریایی معرفی کردند. ۱»

**عده زیادی از تاریخدانان با استناد به هزاران آثار یافته شده از قبرهای ایشغوزها و نوشتجات قدیمی یونانی، چینی، هندی، رومی و غیره، آلتائی بودن آنها را ثابت کرده اند، و یافته های بعدی از پازیریک نظریه آنها را هر چه بیشتر تأیید کرده است. ۵. ص ۲۶**

ایش غوز، ایچ غوز، ایچ اوغوز، ها، اتحادیه طوایفی بزرگ ترک بود که از طوایف ساکاها، ماساژت ها و ... تشکیل شده بود.

یونانی ها آنها را "ایسکیت یا ایسکوت"، "و آشوری ها و بابلی ها " ایشغوز" وهرودت آنها را "ایسکیف" دارندگان کلاه نوک تیز" می نامیدند.

زبان ایشغوزها در منابع قدیمی، زبان ایشغوزی، ذکر شده است، چون در آن زمان، هنوز اصطلاح "ترکی" مطرح نشده بود و زبان اقوام مختلف ترک با اسم قبیله ای آنها مطرح می شد.

سرگذشت " **مه سکت ها**" در عصر ما دلیل زنده ای است مبنی بر ترک بودن ایشغوزها. استالین گرجی در راستای سیاستهای ترک ستیزی خود، عده ای از ترکهای گرجستان را که " **مه سکت، ماس کت**" نامیده میشوند، به ازبکستان تبعید کرده بود. در زمان گورباچف، بعلت نارضایتی شان از شرایط در ازبکستان، خواستار عظیمت به سرزمین مادری خود، گرجستان، بودند ولی گرجستان اجازه برگشت به آنها نداد، ودرعوض دولت آذربایجان آنها را که بیش از ۲۰۰۰۰ نفر بودند، قبول کرد. تحقیقات انجام شده، نشان داده که، آنها بازمانگانی از " **ماساژت ها، ماساقت ها**" هستند که قرنها در گرجستان زندگی کرده و اسم قبیله ای و زبان اصیل خود را حفظ کرده اند. آنها به لهجه ای ترکی که نزدیک به ترکی آذری است، صحبت میکنند. ۱»

از ایشغوزها هزاران اثر تاریخی، لوازم زینتی مثل گوشواره، گردنبند از جنس طلا، ظروف و وسایل دکوری طلایی، زین اسب، پارچه، فرش و... پیدا شده است. این



آثار از قبرهای ایشغوزها که در گستره ای وسیع از آسیای میانه تا شمال دریای سیاه و آذربایجان پخش شده اند، پیدا شده است. مهمترین این قبور در ارتفاعات شرقی کوههای آلتایی قرار دارند و معروفترینشان قبرهای موجود در "pazyryk" **پازیریک** در قزاقستان میباشد. از "پازیریک" هزاران اشیاء زینتی از جنس طلا و نقره ، که همراه اجساد بزرگان ایشغوز دفن شده بودند، پیدا شده است. از آنجا قدیمیترین قالی دنیا، که شبیه قالی ترکمنی است، و قدیمیترین زین اسب دنیا پیدا شده است.۱»

از قبور ایشغوزها در " **سقز**"، پایتخت شان در آذربایجان، نیز آثار کاملاً شبیه آثار پیدا شده در "پازیریک" پیدا شده است. آثار ایشغوزی پیدا شده در "ساقیز، سقز" مربوط به سالهای ۶۶۸-۶۸۱ ق.م. میباشد. ۴»

طبق منابع تاریخی چینی، قبایل " **hiung-hu**" ، **ترکهای هون**، به طور سیستماتیک به شهرهای چینی حمله میکردند و " **Suan**" امپراتور چین ، برای خاتمه دادن به این حملات، جنگهای وسیعی را در سالهای ۷۸۱-۸۲۷ ق.م.بر علیه آنها شروع کرد.و این حملات باعث مهاجرتهای وسیعی به طرف غرب شد. ایشغوزها که در سرزمینهای شرقی خویشاوندان هونی خود زندگی میکردند به سمت غرب ، اطراف دریای سیاه و قفقاز کوچ کردند.۵»ص ۳۹

منابع آشوری تأیید میکنند که ایشغوزها در زمان حکومت سارگون(۷۲۲-۷۰۵ ق.م.) در اطراف دریاچه اورمیه و در بین اهالی ماننا - ماد ساکن شدند.۱»

در حوالی قرن ششم ق.م. ، جوامعی یونانی نشینی در سواحل شمالی دریای سیاه وجود داشتند و در شمال آنها **ترکان کیمر** ساکن بوده و با کشاورزی مشغول بودند و یونانیان به آنها " **georger**" یعنی زارعین میگفتند. در آغاز قرن ۶ ق.م. ایشغوزها سرزمین های کیمرها را اشغال و با یونانیان همسایه شدند.

اسناد یونانی نشان می‌دهد که ، یونانی ها تماس و ارتباط نزدیکی با ایشغوزها داشتند و حتی ۷۰۰ نفر از آنها را، که در تیراندازی شهره آن زمان بودند ، برای حفظ امنیت آتن به خدمت گرفته بودند. یکی از دانشمندان ایشغوزی ساکن قفقاز به نام "**Anacharsis**" در سال ۵۹۴ ق.م. برای دیداری از آتن ، بدانجا سفر کرد و در آنجا با "**Solon**" قانونگذار معروف یونان دوست شد. "**seneca**" نویسنده و فیلسوف رومی (۱۰۰ ب.م.) نیز به او اشاره کرده است. منابع یونانی ، کشف **باددم** و **لنگر قایق** را به "**Anacharsis**" نسبت می‌دهند. «ص ۷۹

**"Hlpoqrates"** پزشک یونانی (۴۶۰ ق.م.) که به جاهای زیادی سفر کرده بود، **تنها کسی است که راجع به نژاد و قیافه ایشغوزها نوشته است، و از توصیفات او، که خود شخصاً آنها را دیده بود، معلوم میشود که آنها قیافه آلتائی - مغولی داشتند.** او در کتاب " در باره سرزمین ها، آبها و هوا" مینویسد که ایسکیتها قسمتهایی از بدنشان را میسوزاندند تا اعصاب را قوی کرده و بهتر بتوانند تیراندازی کنند. «ص ۹۳ . سرخپوستان کالیفرنیا نیز عین این عمل را برای بهتر تیراندازی کردن ، انجام میدادند. لازم به ذکر است که سرخپوستان جزر اقوام آلتایی بشمار میروند.

**قوتشمید** " تاریخدان مشهور، از رهبر ساکاها در آسیای میانه که هنگام حمله اسکندر، در شرق رود جیھون با او جنگیدند، با نام "**کارتاس**" Kartas, یاد میکند که همان کلمه ترکی "**قارداش؟ کارداش**" میباشد که بدلیل نبودن حرف "ش" در زبان یونانی، " کارتاس" نوشته شده است. رئیس نیا، جلد ۱، ص ۲۵۹

دیگر اسامی رهبران ایشغوزها نیز کاملاً ترکی میباشد: **بوقاتای، آلباقای، مادیا** ... سلطنت اغوز، ص ۳۴

**"مئاندر"** تاریخدان بیزانسی در عصر ۶ میلادی مینویسد: در قدیم ترکها را "**ساکا**" مینامیدند. "تاریخ آذربایجان، ص ۱۷، محمود اسماعیل"

"**استرابون**" (۶۳ق.م. - ۱۹ب.م.) ، تاریخ‌نویس و جغرافیدان یونانی که در شمال دریای سیاه زندگی میکرد در باره ایشغوزها اطلاعات زیادی داده است.، او از طوایف ایشغوز ساکاها و ماساقت ها را نام برده و راجع به مسکن آنها مینویسد، که آنها از شمال دریای سیاه تا شمال هند مسکون هستند. او مینویسد که گروهی از ایشغوزها کشاورزی و گروهی دامداری میکنند . وی همچنین به وجود معادن زیاد طلا در قفقاز که ایشغوزها از آنها طلا استخراج میکردند اشاره کرده است.ص ۹۰-۹۱ (bok XI 211)

هرودت در باره زنان "**آمازون**" ، زنهای طوایف **ماساقت**، مینویسد: *آمازون ها زنهایی جنگجو با دلیری و شجاعت مردانه هستند و طبق سنت آنها، زن آمازونی تا زمانی که سر دشمنی را نبریده ، حق ازدواج کردن ندارد.* ص ایشغوزها نیز همچون دیگر خلقهای ترک - آلتائی ، به نیروها و پدیده های طبیعی (شامانیسم) عقیده داشتند.

از ایشغوز شناسان مشهور و بیطرف ، "**Rostovtsev**" در روسیه ؛ "**MInns**" و "**Geza Nagy**" در انگلیس، بعد از تحقیقات علمی زیاد بر روی آثار پیدا شده در "**پازیریک**" به این نتیجه رسیدند که، ایشغوز ها یک خلق آلتایی بودند.خود "**Rostovtsev**" کسی است که مسئولیت کاوشگری در "پازیریک" را به عهده داشت.ص ۲۸ اجساد پیدا شده در قبر شماره ۲ پازیریک که سالمتر از اجساد دیگر مانده اند، قیافه کاملاً مغولی دارند.ص ۳۸»

"**سارمات ها**" که اجداد ترکمن ها میباشند و خویشاوندی نزدیکی با ایشغوز ها داشتند، در حوالی ۳۴۶ ق.م. حاکمیت سرزمینهای ایشغوزها را بدست گرفتند. هرودت، سارمات ها را فرزندان ایشغوزها معرفی میکند.ص ۵»

عدهای از ایشغوزها که در شرق خزر، ترکمنستان امروزی، ساکن بودند، بتدریج با دیگر اقوام آلتایی قاطی شده و بعدها ترکهای "**بارد، پارت**" را تشکیل دادند. ۵» ص ۴۵

عدهای هم که در اروپا در اطراف دانوب و شمال مقدونیه بودند بارها با **فیلیپ دوم پدر اسکندر کبیر** جنگ کردند. ۵» ص ۴۶

منابع آشوری و یونانی نشانگر آن است که ، **ایشغوزها در هنگام جنگ دم اسبهایشان را گره میزدند.** ۵» ص ۷۰ . ما میدانیم که این رسم فقط در بین

اقوام ترک رایج بوده است، مثلا، بنا به منابع بیزانسی، در جنگ

تاریخساز "**ملازگرد**" ترکان دلیر **سلجوق** قبل از حمله شجاعانه شان دم اسبها را گره زدند. ترکان سلجوق (ترکان اغوز) فرزندان همان ایشغوزها بودند.

**جواهر لعل نهرو**? انشمنند گرانقد ر و اولین نخست وزیر هند ، انسانی مبارز و

حقیقت جوی بود و هنوز هم مورد احترام جهانیان میباشند. البته که همچون

انسانی نمیتواند، مثل برادران ایرانی پان فارس اش، به بیماری برتری طلبی و

شوینیسیم آریایی دچار باشد. لذا ایشان در کتاب "**تاریخ تمدن جهان**" بدور

از عقده های آریاگری و کاملا بیطرفانه، اطلاعات دقیقی را در باره ایشغوزها ارائه میدهد:

در اوایل ۶۰۰ ق.م. قبایل ترک اسکیتها و ساکاهها که به وسیله کوشان ها از

آسیای مرکزی رانده شده بودند، در شمال هند جایگزین شده و حکومتهای

مختلفی را در آنجا تاسیس کردند. قصد ترکهای ایسکیت چپاول و تاراج نبود، بلکه

به سرزمینهای جدید برای سکونت احتیاج داشتند. ص ۱۶۶

**کوشان ها**، اقوام ترک - مغول بودند که در حوالی ۱۰۰ ق.م. به هند حمله

کرده و یک امپراتوری بزرگی را بنا نهادند که تا ۳۰۰ سال دوام داشت. این

همزمان با حکومت همنژادان آنها، پارتها، باردها، در ایران بود. اولین پایتخت

کوشان ها کابل و بعد پیشاور بود، مجسمه های بزرگ بودا یادگار آنها میباشد،  
**هزاره ها**؟ افغانستان امروزی بازماندگان آنها میباشد.

در سال ۳۰۸ میلادی "**سامودراگوپتای**" هندی، سلسله هندی "**گوپتا**" را در هند ایجاد کرد و این سلسله شروع به پاکسازی آثار ترکها و مغولها در هند کرد. و جان تازه ای به فرهنگ هندی دادند. این سلسله همزمان با سلسله **ساسانیان** در ایران بود. جلد اول، ص ۱۶۷. (توجه کنید که با آنها همزمان همزادان آنان در ایران، ساسانیان نیز آثار ترکهای بارد را از بین بردند، تمدن کشی خصلت قومی آریایی ها میباشد. تاکید از من)  
سلسله "**گوپتا**" به زور اقوام تر مغول را از هند بیرون کردند و مناطق پنجاب و کاتیاواد را که بیش از هزار سال در دست ترکها بودند، آزاد کردند. این سلسله هندی بعد از ۲۰۰ سال، در اواخر ۵۰۰ میلادی بدست **ترکهای هون** رچیده شد.. ص ۱۶۷»

قبایل ترک که در شمال هند ساکن شدند، مذهب بودایی داشتند، آنها در مدت نزدیک به هزار سال در آنجا حکومت کردند و قسمتهای شمال هند شدیداً تحت تأثیر فرهنگهای ترک - مغول شد و زبانی هم که امروزه در آنجا رایج است ترکیبی است از ترکی - مغولی و هندی، ولی در جنوب فرهنگ آریایی کمتر تحت تأثیر قرار گرفت. ص «۱۷۴»

**ترکهای ساکا و ایسکیت** در شمال هند به مرور زمان جزوی از مردم هند شدند و ما مردم شمالی هند به همان اندازه که از اولاد آریایی ها هستیم، به همانقدر نیز اولاد آن اقوام هستیم، مخصوصاً مردم دلیر و خوش سیمای "**راجیپوت**" و اهالی جسور و پرتاقت "**کاتیاواد**" از اولاد مستقیم آن اقوام هستند. ص ۱۷۵»

در جنگ ترکهای پارت با رومیان، مغولها نیز آنها را یاری میکردند. ص ۱۶۸ «جلد ۱ ، تاریخ تمدن جهان.

در منابع تاریخی، **ایشغوزها** ، با نام "**ساکاه**" نیز نامیده شده اند، ولی در حقیقت ساکاهها، یکی از ۲۰ ایل تشکیل دهنده ، اتحادیه ایشغوزها بودند. هر یک از ایل های بیستگانه ایشغوز ، اسامی خود را داشتند، مثلا ماساقتها یا ماساژتها، ساکاهها و... و در بین آنها ایلی به اسم ایشغوز وجود نداشت «ص ۴۸۱ ، امروزه نیز ایل بزرگ "قشقای" از قبایل زیادی با اسمهای مستقل تشکیل شده است ولی هیچ قبیله ای به اسم قشقای در بین آنها نیست. ساکا نیز یک کلمه کاملا ترکی میباشد و در "**دیوان لغات الترک**" که در هزار سال پیش نوشته شده است، اینطور آمده:

ساک: ساق ، یعنی "کاردان" ، "زیرک" «۸ جلد ۱، ص ۳۳۳

ساکا: "داغ یاماجی" ، «۸ جلد ۳، ص ۲۲۶

با توجه به مقام بالا و تقدس گونه "کوه" در میتولوژی ترکان، معنی دوم آن کلمه در باره "ساکاهها" بیشتر صدق میکند.

**نظامی گنجوی** ، شاعر بزرگ آذربایجان، که " اسکندرنامه" را بر اساس اطلاعات دقیقش از تاریخ و منابع یونانی نوشته است، در بیتی از زبان اسکندر به وجود ترکان از غرب خزر تا مرز چین، چه خوب اشاره کرده است:

" **ز کوه خزر تا به دریای چین..... همه ترک بر ترک بینم زمین** " «۱

در کتاب "**ده قورقوت**" که در حوالی قرن ۱۱ میلادی نوشته شده ولی داستانهای آن مربوط به هزاره های قبل از میلاد میباشد، نیز به ایشغوزها اشاره شده و آنها را به دو گروه، **ایچ اغوز و دیش اغوز**، تقسیم کرده است. **ایچ اغوز = ایش اغوز**.... در زبان ترکی در خیلی از کلمات ، حرف "**چ**" در زبان

گفتاری به حرف "ش" تغییر می یابد؛ مثلاً: "اوچ = اوش"، "قاچ = قاش". و کلمه "ایچ اوغوز، ایچ غوز" نیز با تبعیت از این قاعده به "ایش اوغوز، ایش غوز" تغییر یافته است.

کلمه "اغوز" نیز در منابع تاریخی بصورت "غز"، "غوز"، و "اغوز" آمده است. در کل میتوان با اطمینان گفت که، کلمه ایشغوز، کلمه ای کاملاً ترکی و از دو کلمه "ایش" و "غوز" تشکیل شده است، و هیچ ربطی به اقوام هندواروپایی ندارد.

کلمه "ایش پاکا" یا "ایس پاکا"، اسم اولین شاه ایشغوزها نیز یک کلمه ثابت شده ترکی است. در زبان ترکی اغوز، کارلوق و قیچاق به سگ "کوچک" و به سگ شکاری "ایس پاک" و "ایزباک" میگویند و این کلمه هنوز هم در بین ترکان "باشقیرد" "قاراچای" و "قاراقالپاق" بعنوان اسم مرد رایج است. ۱. ص ۴۷۵

اسامی بزرگان و رهبران دیگر ایشغوزها: بوقاتای، اوکاتای، آلیاتای،... همه ریشه و معنای ترکی قدیم را دارند. ۱. «

**اعتمادالسلطنه**، مشهورترین تاریخدان ایران که به هفت زبان تسلط داشت، در ۱۵۰ سال قبل، بعد از شرحیات مفصل در باره ایشغوزها نوشته است: **ایسکیتها یا ساکاهها، طایفه ای بزرگ از تورانیان (ترکها) بودند.** ۱۰. ص ۵۶-۴۴

"**آن. بئرنشتام**" در باره ریشه ترکها مینویسد: **ریشه خلق های ترک را در هون ها و اگر عقبتر هم برویم در ایسکیت ها** میبینیم. تاریخ آذربایجان ۷. «، ص ۱۷

ایشغوزشناس معروف "ی.و. دیانکوف": **وقتی که صحبت از ماسازت ها،**

**ماساقت ها، میشود، منظور ترکها میباشند.۱»**

**"ف.ق.هیشچئنکو"** عالم روسی که کتاب تاریخ هرودت را به زبان روسی ترجمه کرده است، در باره کلمه "ایسکیت" نوشته است: **تصویری را که هرودت از تیب و خصوصیات فیزیکی "ایسکیف ها، ایشغوزها، ارایه میدهد، کاملاً با تیب ترکها صدق میکند.۱»**

در ترجمه انگلیسی کتاب "تاریخ هرودت" که توسط "سنیس" انجام شده، در باره ایشغوزها آمده است: **ایسکیفهای هرودت، همان نژاد ترک - تاتار است.۱»**

پایان حکومت ایشغوزها در آذربایجان جنوبی: به نوشته هرودت، "کیاکسار" شاه **مادها** در سال ۶۲۵ ق.م.، "مادییا" شاه ایشغوزها و دیگر بزرگان آنها را به جشنی بزرگ دعوت، و بعد از مست کردن آنها، دستور داد همه را بکشند. و بدینوسیله به حکومت ۲۸ ساله (۶۲۵-۶۵۲) آنها در جنوب ارس خاتمه داده شد. ولی حکومت ایشغوزها در شمال ارس قرن‌ها ادامه داشت و سر **کوروش** متجاوز و خونخوار را، رهبر همین ایشغوزها، **تومریس خاتون**، نوه مادییا، در شمال ارس از تنش جدا کرد. ایشغوزهای شمال ارس بعدها با دیگر اقوام ترک در آنجا قاطی شده و خلق **آلبان** را آفریدند. ایشغوزهایی که در آسیای میانه مانده بودند، بعدها نقش مهمی را در ایجاد امپراطوریه‌های جهانی **هونها** و **گوک ترکها** داشتند. البته جمع کثیری از ایشغوزها نیز در آذربایجان جنوبی مانده و با اقوام باستانی آنجا قاطی شده و در تکامل ملت امروزی آذربایجان و زبان آنها تأثیر زیادی گذاشتند.۱» نوشته بعدی در باره "امپراطوری ماد" خواهد بود.

۱- تاریخ قدیم ترکان ایران، جلد ۱؛ پروفیسور دکتر م.ت. زهتابی

۲- آذربایجان در سیر تاریخ ایران، از آغاز تا اسلام، دکتر رحیم رئیس نیا

۳- تاریخ ماد، ا.م. دیاکونوف، ترجمه ک. کشاورز



۴- ایران از آغاز تا اسلام ، گیریشمن، ترجمه معین، ۱۳۵۵ تهران.

۵- ,the scythians, tamara talbot rice

۶- " سلطنت اغوز"، آلتای ممدوف، چاپ باکو

۷- " تاریخ آذربایجان، ، محمود اسماعیل، چاپ باکو

۸- دیوان لغات الترك، محمود کاشغری،

۹- جواهرلعل نهر، تاریخ تمدن جهان

۱۰- تطبیق لغات جغرافیایی، اعتمادالسلطنه